

نسبت سنجی جنگ و کرامت انسان در اسلام شیعی

محمد عظیمی طرقدری^۱، شهروز شریعتی^۲

پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۲۵

دریافت مقاله: ۹۶/۴/۲۸

چکیده

گرچه در اسلام صلح یک اصل و قاعده است، ولی درعین حال جنگ و جهاد، نه تنها پدیده‌ای مذموم به شمار نمی‌رود بلکه در مواردی یک ضرورت محسوب می‌شود. این مقاله باهدف نسبت سنجی جنگ و کرامت انسان در اسلام با رویکرد شیعی و به‌عنوان یک پژوهش کیفی، نخست مطابق آیات قرآن و آموزه‌های فقه شیعه به تبیین تفهیمی انسان‌شناسی سیاسی در اسلام و مفهوم کرامت و حفظ حرمت انسان در نظام اندیشگی اسلام خواهد پرداخت و سپس در ادامه با مروری بر مفهوم جنگ، بررسی چستی و جایگاه جهاد در اندیشه اسلام به‌ویژه در فقه شیعی، و تحلیل گفتمان آیات مرتبط خواهد کوشید تا برخی از ملاحظات نظری پیرامون حدودو ثغور جنگ و صلح را تبیین نماید. مقاله نشان خواهد داد که در اندیشه اسلام شیعی و در مباحث مربوط به جنگ، فقط آن دسته از جنگ‌هایی مشروعیت دارند که منطبق با مفهوم «جهاد» باشند و جهاد اقدامی ضروری علیه کسانی است که به هر نحو ممکن می‌کوشند کرامت انسان را نادیده گرفته و مانع از دستیابی او به جایگاه واقعی خود در خلقت شوند.

واژگان کلیدی: جنگ، صلح، کرامت، انسان، اسلام، شیعه



^۱ دانش‌آموخته دکتری مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

موضوع جنگ و صلح از جمله مقولاتی است که ریشه در تاریخ انسان دارد و مقررات مربوط به آن در طول اعصار و قرون متمادی مسیر تحول و پیشرفت را طی کرده است. اسلام از جمله ادیان الهی است که حقوق طرفین درگیر در منازعات و شرایط ایجاد صلح را با تأکید بر کرامت نوع انسان معلوم و مشخص ساخته است. آیات قرآن بیانگر این نکته است که این کتاب مقدس، از سویی جان انسان را صاحب حرمت، کرامت و ارزش می‌داند و از سوی دیگر بر رفع فتنه و اعلام جنگ با مشرکان تأکید می‌کند. این در حالی است که مخالفان اسلام، پیشرفت این آئین الهی را مرهون جنگ و خونریزی دانسته و می‌کوشند آموزه‌های اسلامی را مروج خشونت، ترور و وحشت و مسلمانان را نیز خشونت‌طلب و تروریست معرفی کنند. متأسفانه برخی گروه‌های تندرو از قبیل سلفی‌های تکفیری و یا شاخه‌های جدیدتر نظیر «القاعده» و «داعش» با برداشت نادرست از اسلام و قرآن و ارتکاب برخی اقدامات غیرشرعی زمینه این‌گونه قضاوت‌های غیرمنصفانه را بیش‌ازپیش فراهم می‌کنند. بر این اساس در خصوص تعیین رابطه جنگ با کرامت انسان ضروری است تحقیقات نظری بیشتری انجام شود و ابعاد آن تا حد امکان تبیین و شفاف شود؛ زیرا دشمنان اسلام به‌طور مستمر و بی‌وقفه، اسلام را از این ناحیه مورد هجوم قرار می‌دهند. در این صورت مسئله اصلی پژوهش حاضر: «کاستی در تحقیقات تبیین جایگاه، کرامت و حرمت خون انسان در قرآن و به‌ویژه از منظر کلام شیعی است.» اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع از آن حیث است که موجب تنویر افکار عمومی، جلوگیری از موفقیت مخالفان اسلام در تخریب این آئین الهی، تبیین اندیشه شیعیان در مورد جنگ و نیز تبلیغ و ترویج اسلام شیعی می‌شود و می‌تواند از چشم‌اندازی نظری مانع از استنادات سطحی جریان «اسلام هراسی» به برخی از آیات قرآن برای معرفی اسلام به‌عنوان دین مروج خشونت و تروریسم شود. در غیر این صورت دامنه اسلام هراسی گسترش یافته و جامعه بشری نسبت به اسلام و مسلمین بدبین‌تر خواهند شد. این نوشتار که نتیجه یک پژوهش کیفی و تحلیل گفتمان آیات قرآن کریم در باب جنگ و کرامت انسان است، با استناد به آیات قرآن و سیره پیامبر اهل بیت به همراه اشاره به برخی از مستندات در فقه شیعی و باهدف «دستیابی به نسبت میان جنگ و کرامت انسانی در آموزه‌های اسلامی،» می‌کوشد تا به این سؤال پاسخ دهد که: «از منظر کلام شیعی، جنگ با کرامت انسانی چه نسبتی دارد؟»



مبانی نظری

- پیشینه تحقیق

در مورد جنگ از نظر اسلام و یا کرامت انسان در قرآن پژوهش‌هایی انجام شده ولی این پژوهش در صدد نسبت سنجی و تعیین رابطه بین جنگ و کرامت انسانی مطابق با آموزه‌های فقه شیعی و با استناد به آیات قرآن کریم است. در این زمان که برخی جریانات فرقه‌ای و غیر شیعی نظیر القاعده، طالبان و جریانات تکفیری موسوم به داعش به نام اسلام اقدامات ضد اسلامی داشته و اسلام را ضد اصول انسانی معرفی می‌کنند انجام چنین پژوهشی که می‌تواند حقایق را روشن و پاسخگوی طالبان حق باشد، پژوهشی نو و بدیع و درعین حال اثرگذار است. مبانی نظری و منابع دست‌اول و آثاری که به موضوع جنگ و جهاد از منظر اسلام پرداخته‌اند صرف‌نظر از کتاب‌های سیره نگاری موسوم به «مغازی» نظیر مغازی واقدی (۱۳۶۹) و مغازی موسی بن عقبه (۱۳۸۲) که حاوی اطلاعاتی مهم در مورد جنگ‌های صدر اسلام است، را می‌توان به سه گونه اصلی تقسیم کرد: نخست منابع و آثاری که جنگ و جهاد را به هر قیمت یک ضرورت متصور شده‌اند و آن را برای حاکمیت ارزش‌های اسلامی ضروری برمی‌شمارند؛ دوم منابع و آثاری که برخلاف دسته نخست آیات مربوط به جنگ و جهاد در اسلام را متوقف بر جهاد دفاعی و در صورت حمله دشمن می‌دانند و سوم آثاری که جنگ و جهاد را در اسلام هنگامی واجب می‌دانند که تعداد دشمنان بیش از حد معینی نباشد و در صورت حمله دشمن با قدرت بیشتر جنگ و جهاد واجب نخواهد بود. از آثار دسته نخست می‌توان به آرا و فتاوی‌ای امام شافعی، ابن همام حنفی و با اندکی تفاوت در برخی منابع شیعیان نظیر آرای علامه حلی و شهید ثانی اشاره کرد. از آثار دسته دوم می‌توان به نظرات شیخ محمد عبده، علامه شیخ محمدجواد بلاغی، آیت‌الله طباطبایی و امام خمینی (ره) اشاره کرد و در مورد دسته سوم از نظریات نیز می‌توان به نظرات شافعی، شیخ طوسی و تفاسیر طبری و المنار استناد کرد؛ باین وجود و با وصف اینکه نظرات متعدد و متفاوتی در موضوع جنگ و جهاد در اسلام مطرح شده است اما آثاری که به صورت نظام‌مند موضوع کرامت و حقوق انسانی را در جنگ به صورت ویژه و متمرکز مورد بررسی قرار دهند کمتر مشاهده می‌شود و در این میان فقط شاید بتوان به کتاب جهاد در اسلام اثر صالحی نجف‌آبادی (۱۳۸۲) و چند پایان‌نامه دانشگاهی اشاره کرد که این موضوع را به صورت ضمنی و مفروض مورد توجه قرار داده‌اند؛



مفهوم شناسی

در ادامه و در چارچوب بررسی مبانی نظری تحقیق، ابعاد موضوع مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

حرمیت و کرامت انسان از منظر کلام شیعی: مکتب تشیع هم به لحاظ محتوا و هم به لحاظ روش‌شناسی همواره واجد یک کلام مستقل و ممتاز بوده که حاصل ادغام معارف قرآنی با تفسیر معصومانه اهل بیت است (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۰) کلام شیعی، انسان را صاحب حرمت، کرامت و ارزش می‌داند و این معنی را در آیات مختلف نیز بیان نموده است. برای مثال آیات زیر را می‌توان به مثابه اعلامیه‌ای از حقوق ثابت انسانی در قرآن دانست:

«... وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»؛ (... به درستی ما فرزندان آدم را ارجمند داشته‌ایم...؛ اسراء: ۷۰)

«... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...»؛ (... هرکس تنی را جز به قصاص یا به کیفر تبهکاری در روی زمین - بکشد، چنان است که تمام مردم را کشته است و هرکه آن را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را زنده داشته است...؛ مائده: ۳۲)

«... يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را از گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بازشناسید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شما است...؛ حجرات: ۱۲).

از نظر قرآن انسان موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد و هم می‌تواند به «اسفل سافلین» سقوط کند و در این بین، این خود انسان است که باید درباره خود تصمیم بگیرد و سرنوشت نهایی خویش را تعیین نماید در این ارتباط، در قرآن در به خلقت انسان و سیر طبیعی آفرینش او اشاره می‌شود^۱ و پس از آن در آیاتی مختلف به بیان کیفیت زندگی انسان‌ها می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که اگرچه انسان به بهترین صورت خلق شده است و کمالات تمامی مراتب و عوالم، از ماده و گیاه و حیوان تا عالم عقول و ملائکه و ماورای تجرد را دارا است اما رشد واقعی انسان‌ها در پناه ایمان به دست می‌آید. به عبارت دیگر، انسانی که از روح خداوند در او دمیده شده است^۲ و شایسته مقام خلیفه الهی^۳



۱- «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (ما انسانی را از گل ولای سالخورده تغییر یافته آفریدیم؛ حجر: ۲۶)

۲- «وَ تَفَقَّحْتُمْ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» (و همانا از روح خود در آن دمیدیم؛ حجر: ۲۹)

۳- «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (من در زمین خلیفه خواهم گماشت؛ بقره: ۳۰)

است، تنها در سایه ایمان است که می‌تواند به رشد واقعی برسد. کتاب آسمانی مسلمانان بر این نکته تأکید و تصریح می‌کند: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (تین: آیات ۴-۶)

خداوند از سویی انسان را به گونه‌ای خلق کرده که در مقایسه با سایر موجودات دارای مزایای بیشتری است و در واقع این نوع کرامت ناشی از توجه ویژه خداوند به انسان است که از این منظر تمام انسان‌ها از این مقام برخوردارند. یعنی انسان چه بخوهد و چه نخواست از این کرامت تکوینی برخوردار می‌گردد. با این وجود، در موارد متعددی، قرآن، انسان را شایسته کرامت و فضیلت برتر از این مقدار نیز می‌داند و آن را در سایه مبارزه پیوسته با نفس اماره و شیطان وسوسه‌گر می‌داند.

در قرآن بعد از ذکر آیاتی که دلالت بر کرامت تکوینی انسان می‌کند به آیاتی نیز درباره کرامت اکتسابی یا اختیاری انسان نیز اشاره شده است. منظور از کرامت اختیاری، دست‌یابی انسان به کمالات و ویژگی‌هایی است که با اختیار و اراده انسان حاصل می‌شود. برخلاف کرامت تکوینی که در وجود انسان‌ها نهفته بود، در اینجا تلاش و سعی انسان به منزله پلی برای رسیدن به درجات بالاتر ایفای نقش می‌کند اگرچه بنا بر نظام اندیشه اسلامی، برخی دیگر راه مقابل را طی می‌کنند و سرانجام به جایگاه «اسفل السافلین»^۱ و «چارپایان»^۲ می‌رسند. از آنجاکه در اسلام، تنها معیار کرامت در نزد خداوند، تقواست و راه رسیدن به او همان تقوایبشه کردن است؛ در نتیجه باید گفت به باور مسلمانان کرامت انسان محدودیت ندارد و بر اساس آیات قرآن، انسان برای رسیدن به کرامت اکتسابی باید تلاش کند و تقوایبشه نماید. با این وصف باید به این نکته نیز توجه داشت که از منظر اسلامی، کرامت تکوینی اگرچه کمال انسان به حساب می‌آید، ولی ارزش اخلاقی ندارد و آنچه دارای ارزش اخلاقی محسوب می‌شود، کرامت اکتسابی آدمی است.

— **حرمت مخالفان فکری در قرآن و کلام شیعی:** مطابق آنچه در مورد کرامت انسانی در اندیشه اسلامی گفته شد، مخالفان سیاسی نیز دارای احترام تلقی می‌شوند و فراتر از آن مروری بر برخی از آیات

۱- «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگرداندیم؛ تین: ۵)

۲- «لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِطْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (دل‌هایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترینند، آن‌ها همان غافلان هستند. اعراف: ۱۷۹)



قرآن نشان می‌دهد که حتی در مورد سب و توهین به مقدسات و مقامات، سفارشی جز تسامح و خودداری از نشست و برخاست با سب‌کنندگان نبوده است.

«قَدْ نَزَلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْبُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (البته خدا در این کتاب بر شما نازل کرده که هرگاه بشنوید آیات الهی مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد با آن‌ها منشیید تا سخنی دیگر آغاز کنند چراکه در این صورت شما نیز مثل آن‌ها خواهید شد و مسلماً خدا همه منافقان و کافران را یکجا در دوزخ گرد خواهد کرد؛ نسا: ۱۴۰).

«وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (اگر دیدی کسانی در آیات ما فرورفته‌اند (آن را به استهزاء گرفته‌اند)، از آنان روی گردان تا هنگامی که گفتگو را تغییر دهند و مطلب دیگری بگویند و چون شیطان تو را به فراموشی اندازد (از یاد خدا)، پس از یاد آوردن (این مطلب یا خدا) دیگر با گروه ستمکاران منشین؛ انعام: ۶۸).

در همین حال و در کنار مستنداتی که به آن اشاره شد، آیات و روایات متعدد و فراوانی در حرمت و منع ترور و قتل پنهانی مخالفان وجود دارد که هیچ‌گونه تردیدی را درباره‌ی حرمت خشونت سیاسی از دیدگاه اسلام باقی نمی‌گذارد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

« وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (و کسی را که خداوند خونش را حرام کرده، نکشید، جز به حق! و آن‌کس که مظلوم کشته شده، برای ولی او سلطه (و حق قصاص) فرار دادیم، اما در قتل اسراف نکنید، چراکه او مورد حمایت است، اسرا: ۳۳).

«فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا» (باز به راه خود ادامه دادند، تا این‌که نوجوانی را دیدند و او آن نوجوان را کشت. (موسی) گفت: آیا انسان پاکی را بدون آن‌که قتلی کرده باشد کشتی؟! به راستی کار زشتی انجام داده‌ای! (کهف: ۷۴).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود، نص قرآن و کلام در اندیشه اسلامی، جایگاه ویژه‌ای را برای کرامت انسان‌ها و رعایت حقوق مخالفان قائل است.



— چپستی جنگ و آموزه‌های جنگ و جهاد در گفتن کلامی شیعی: جمله‌ای را به «لئون تروتسکی»^۱ یا «لئو تولستوی»^۲ نسبت می‌دهند که گفته است: «شاید شما علاقه‌ای به جنگ نداشته باشید اما جنگ به شما علاقه‌مند است» (هیلزگری ۱۳۸۱: ۴) بشریت در طول تاریخ ۵۰۰۰ ساله تمدن بشری در روی کره زمین حدود ۱۴۰۰۰ جنگ را شاهد بوده و در طی این جنگ‌ها بیش از ۴ میلیارد انسان جان باخته‌اند. در طول تاریخ چند هزارساله بشری صرفاً ۲۶۸ سال بدون جنگ و مناقشه بوده است و تنها در طی ۴۵ سال یعنی در طی سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۹۰ در روی کره زمین فقط ۳ هفته بدون جنگ بوده و جالب اینکه اکثر این جنگ‌ها در کشورهای جهان سوم به وقوع پیوسته است.^۳ سازمان پدافند غیرعامل کشور، (۱۳۸۶: ۸) بر این اساس، جنگ را می‌توان یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی و به تعبیر دورکیم، بیان دیگری از تاریخ و آفریننده تاریخ دانست (بوتول، ۱۳۸۷: ۱). در همین حال، باید دانست جنگ هرچند پدیده‌ای خشونت‌آمیز تلقی می‌شود اما به نظر می‌رسد هیچ‌گاه نمی‌توان به‌طورکلی جنگ‌ها را مورد نکوهش و انتقاد قرارداد چراکه بسیاری از جنگ‌ها در طول تاریخ حق‌طلبانه و انسانی بوده‌اند و شرف و حیثیت نوع بشر در گرو آن‌ها نهفته بوده است (ادیبی سده، ۱۳۸۷: ۳۰) اسلام نیز از جمله ادیان الهی است که توجه ویژه‌ای را به حقوق طرفین درگیر در منازعات دارد. مروری بر سیره پیامبر اسلام نیز بیانگر این نکته است که ایشان از هر فرصت در جنگ برای بیان مکارم اخلاقی بهره می‌بردند و پیروان را به رعایت نکات اخلاقی در جنگ توجه می‌دادند و به‌ویژه بر رعایت حال اسرای جنگی و عدم اجبار به همراهی یاران در جنگ تأکید داشتند. به‌عنوان مثال بر اساس روایتی که در کتاب مغازی محمدبن عمر واقدی نقل شده است هنگامی که «عمر بن خطاب» از پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) می‌خواهد که دندان‌های پیشین و زبان «سهیل بن عمرو» را که از بزرگان قریش بود و در فصاحت و بلاغت شهرت فراوانی داشت به هنگامی که اسیر شد درآورند تا هرگز نتواند خطبه علیه پیامبر بگوید، پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) می‌فرماید: «هرگز او را مثله نمی‌کنم که اگرچه پیامبر هم باشم خداوند مرا مثله خواهد کرد» (واقدی، ۱۳۶۹: ۷۹). و نکته جالب آنکه همین شخص بعدها در مصیبت رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) خطبه‌ای کم‌نظیر را ایراد می‌کند که عمر بن خطاب از آن شگفت‌زده می‌شود و به وجد می‌آید (همان). در همین حال امام علی (علیه‌السلام) آموزه‌های نظری و عملی کم‌نظیری را برای پیروان خود باقی گذارده است که بررسی آن در این مجال نمی‌گنجد؛ اما

1 - Leon Trotsky

2 - Leo Tolstoy



فقط به عنوان یکی از صدها نمونه به نامه ۱۴ نهج البلاغه اشاره می‌شود که پیش از مواجهه با سپاه نیرومند و خدعه گر معاویه در جنگ صفین برخی آداب جنگی را چنین توصیه می‌کنند: «با آنان جنگ نکنید تا زمانی که آنان جنگ را آغاز کنند؛ چراکه - سپاس خدا را - حجت با شماست؛ و رها کردن آن‌ها تا دست به پیکار گشایند، حجتی دیگر برای شما بر آن‌هاست. اگر به خواست خدا، شکست خوردند و گریختند، آن را که پشت کرده نکشید و کسی را که دفاع از خود نتواند، آسیب مرسانید و زخم خورده را از پا درمی‌آورید. زنان را با زدن برمی‌انگیزانید؛ هرچند آبروی شما را بریزند یا امیرانتان را دشنام‌گویند؛ چراکه توان زنان اندک است.»

با این وصف نکته‌ای که در اندیشه اسلامی در مباحث مربوط به جنگ و منازعات بشری مشهود به نظر می‌رسد این نکته است که در اسلام فقط آن دسته از جنگ‌هایی مشروعیت دارند که منطبق با مفهوم «جهاد» باشند.^۱ هرچند جهاد، در زبان عربی به معنای کوشیدن و کوشش کردن آمده است (محمد-م، ۱۳۶۰: ۷۷) اما این واژه در قرآن به هرگونه مبارزه در راه خداوند اطلاق می‌شود.^۲ جهاد (به کسر اول) مصدر است به معنی تلاش و نیز اسم است به معنی جنگ (اقرب الموارد) و جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است. «افلا تطع الکافرین و جاهدهم به جهاداً کبیراً»^۲ و در مجمع‌البیان ذیل آیه ۲۱۷ سوره بقره می‌فرماید: «جاهدت العدو» یعنی در جنگ با دشمن مشقت را بر خود هموار کردم (قریشی، ۱۳۶۱: ۷۷-۷۸) و در عین حال به عنوان شرط اساسی ایمان و نعم در بهشت جاویدان و میزان و معیار درجه‌بندی امتیازات در جامعه اسلامی معرفی شده است. در این راستا خداوند در قرآن مجید تأکید می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد بازنشستند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود خدا مجاهدان به مال و جان را بر بازنشستگان بلندی و برتری بخشیده و همه را وعده پاداش نیکو فرموده و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است. نسا: ۹۵)

۱- برای مثال نک: آیات ۱۹۰-۱۹۶ سوره بقره، آیات ۷۶ و ۹۶ سوره نسا، آیه ۵۴ سوره مائده، آیه ۶۶ سوره انفال، آیه ۷۸ سوره حج، آیات ۴ و ۱۱ سوره صف.

۲- سوره فرقان آیه ۵۲



افزون بر این مطابق آموزه‌های اندیشه اسلامی، جهاد اگرچه در راه خدا صورت می‌پذیرد، اما منافع آن به مؤمنان و جامعه اسلامی بازمی‌گردد. و این موضوعی است که در آیات قرآن و از جمله سوره عنکبوت نیز به آن تصریح شده است چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (کسانی که در راه ما جهاد و تلاش نمایند محققاً آن‌ها را به راه خویش هدایت می‌کنیم. عنکبوت: ۶۹) «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود می‌کوشد زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است. عنکبوت: ۶) در همین حال، پیامبر بزرگوار اسلام نیز جهاد در راه خدا را برترین اعمال دانسته و تصریح داشته‌اند: «افضل الأعمال الصلوة لوقتها و برّ و الجهاد فی سبیل الله» (مجلسی، ب ت: ۳۹۲). حضرت امام علی (علیه السلام) نیز در اهمیت جهاد فرموده‌اند «فَرَضَ اللهُ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ» خداوند جهاد را برای عزت و سربلندی اسلام واجب کرد (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۳).

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به اینکه هدف این تحقیق توسعه و ترویج مبانی اسلام شیعی در خصوص جنگ و کرامت انسانی است و پژوهشگر فرایند و روش‌های مکتب تشیع در خصوص جنگ و جهاد را تبیین و معرفی می‌نماید. این تحقیق از نوع توسعه‌ای است. و از این حیث که به کشف عناصر معنایی و ذهنیت‌های زیرین که به رفتارها جهت می‌دهد می‌پردازد و ماهیت تفسیری و تحلیلی دارد. روش این تحقیق کیفی است. و با توجه به اینکه واکاوی موضوعی مدنظر می‌باشد و در زمینه و مورد خاصی تحت عنوان جنگ و کرامت انسانی در اسلام شیعی انجام گرفته یک تحقیق موردی زمینه‌ای می‌باشد. در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری اطلاعات موردنیاز جمع‌آوری شده است. در این صورت کل قرآن کریم و آرا و نظرات اهل‌بیت و اقوال فقهای طراز اول شیعه محدوده مورد مطالعه این تحقیق است که نمونه‌های مرتبط با موضوع تحقیق با استفاده از ابزار فیش‌برداری استخراج و با تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل می‌شوند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

با تحلیل عناصر گفتمانی قرآن کریم و آراء فقهای شیعه، در مورد مقوله جنگ و کرامت انسانی می‌توان به فهم دو مفهوم مبنایی «جهاد ابتدایی» و «جهاد تدافعی» پی برد. و دریافت که: در گفتمان کلامی و نگرش اسلام شیعی، هیچ‌گاه بدون اذن امام معصوم (علیه السلام) پیشگام تهاجم بر حتی



نظام‌های کفر و شرک نبوده است. در ادامه دو مفهوم مذکور با استناد به آیات قرآن کریم و نظرات صاحب‌نظران و فقهای شیعه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

جدول ۱: عناصر گفتمانی جنگ و کرامت انسان در قرآن کریم

| ردیف | عناصر گفتمانی | متن و نشانی آیات مرتبط |
|------|---------------------------|--|
| ۱ | واژگان | ۱- جهاد و قتال: عنکبوت ۶۹ و بقره ۱۹۰، نساء ۷۶ و ۷۵، مائده ۳۵، انفال ۶۵، حج ۷۸، صف ۴ و ۱۱ ۲- کرامت انسان: اسراء ۷۰، حجرات ۱۲ |
| ۲ | گزاره‌ها و عبارات | ۱- برای نبرد در راه خدا از حد تجاوز نکنید" بقره ۱۹۰" ۲- خدا جهادگران در راه خود را هدایت می‌کند" عنکبوت ۶۹" ۳- کسی که جهاد کند برای خود می‌کوشد و خدا از جهانیان بی‌نیاز است: عنکبوت ۶ ۴- خدا مجاهدان را بر قاعدین با اجر عظیم برتری داده است "نساء ۹۵" ۵- ما آدمیزاد را کرامت دادیم" اسراء ۷۰ |
| ۳ | توصیف‌ها | کشتن و قتل یک انسان بی‌گناه همانند کشتن همه مردم است "مائده ۳۲" |
| ۴ | اوامر | ۱- جهاد در راه خدا با جان و مال "عنکبوت ۶۹" و "حج ۷۸" ۲- سختگیری بر کافران "محمد ۴" ۳- وجوب جنگ در راه خدا (جهاد) "بقره ۲۱۶" ۴- نهی از ترور، قتل و فساد در روی زمین "مائده ۳۳، اسراء ۳۳، کهف ۷۴" |
| ۵ | انسجام گفتمانی | همه آیات مرتبط با جهاد ابتدائی و جهاد تدافعی دارای ارتباط منطقی و مکمل هم می‌باشند. استفاده از هر یک از آیات به تنهایی و بدون در نظر گرفتن آیات مکمل موجب برداشت نادرست از قرآن می‌شود |
| ۶ | محدودیت‌های گفتمانی | ۱- تأکید بر دفاع نه شروع جنگ "حج ۳۹" ۲- جلوگیری از تعدی و تجاوز از حدود "بقره ۱۹۰" ۳- حرمت جنگ در ماه‌های حرام "بقره ۱۹۴" |
| ۷ | روش‌های مقابله با مهاجمان | ۱- ایجاد بازدارندگی با ایجاد ترس در دشمنان "انفال ۶۰" ۲- دفاع و دفع تجاوز با عمل مقابله‌به‌مثل "بقره ۱۹۰ و ۱۹۴" |



| متن و نشانی آیات مرتبط | عناصر گفتمانی | ۳ |
|--|---|---|
| ۱- انسان به حکم الهی مسجود فرشتگان است "اعراف ۱۱ و حجر ۲۹" ۲- انسان خلیفه خدا در زمین است "بقره ۳۰" جانشین خداوند است "انعام ۱۵۶ و یونس ۱۴" ۳- انسان دارای روح خدائی است "حجر ۲۹ و سجده ۹" ۴- انسان امانت دار خداوند است "احزاب ۷۲" ۵- انسان دارای علم خداوند است "بقره ۳۱-الرحمن ۳ و علق ۴ و ۵" ۶- انسان اشرف مخلوقات است "مؤمنون ۱۴-تین ۴-اسراء ۷" ۷- انسان بااراده و اختیار آفریده شده است "ملک ۲-کهف ۷ و ۲۹=عنکبوت ۳-نجم ۳۹- اسراء ۱۹ و ۷" ۸- خدا جهان آفرینش را در تسخیر انسان قرار داده است "ابراهیم ۳۲ و ۳۳- نحل ۱۲ و ۱۴-لقمان ۲۰ - جائیه ۱۳-بقره ۲۳ و ۲۹" | استدلال (دلایل) کرامت ذاتی انسان به استناد آیات قرآن | ۸ |
| ۱- جنگ در صورت تجاوز و تعدی دشمن "بقره ۱۹۰ و ۱۹۴-نحل ۱۲۶" ۲- جهاد در صورت شروع جنگ توسط دشمن "بقره ۱۹۰" ۳- جنگ و جهاد در صورت پیمان شکنی دشمن "توبه ۱۳" ۴- جنگ برای مجازات دشمن "توبه ۱۴" ۵- جنگ و جهاد برای حفظ نام و یاد خدا "حج ۴۰" ۶- داشتن اذن جنگ و جهاد به کسانی که به آن‌ها ظلم شده است "حج ۳۹" | مفروضات | ۹ |

– جهاد ابتدایی در کلام شیعی

جهاد ابتدایی، گونه‌ای از مبارزه است که مسلمانان را مجاز می‌داند حتی در صورتی که سابقه عداوت و دشمنی هم با کفار نداشته باشند به آن‌ها یورش ببرند و برای از بین بردن کفر و شرک با آنان بجنگند. صاحب کنزالعرفان در این باره می‌گوید: «این جهاد ابتدا از طرف مسلمین به خاطر دعوت به اسلام شروع می‌شود و بدین خاطر جهاد ابتدایی، عنوان شده است» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). بنا بر اعتقادات شیعیان، شروع جنگ ابتدایی مستلزم وجود امام معصوم (علیه السلام) یا نایب خاص اوست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۱۲۳). برخی از فقها از جمله امام خامنه‌ای صدور حکم جهاد ابتدایی توسط فقیه جامع‌الشرایطی که متصدی ولایت امر مسلمین است را در صورتی که مصلحت آن را اقتضا کند بعید ندانسته‌اند که جایز باشد.^۱ نتیجه عملی مرتب بر این باور این نکته است که از منظر شیعیان، در غیاب امام معصوم (علیه السلام)، هرگونه آغاز جنگ و جهاد موقوف به شرایط خاص است. این در حالی است که اهل سنت برای جنگ ابتدایی چنین شرایطی را قائل نیستند و بر این

۱- ر.ک به پاسخ سؤال ۱۰۴۸ رساله اجوبت الاستفتائات حضرت امام خامنه‌ای، صفحه ۲۲۲



باور هستند که هرگاه مسلمانان به میزان مشخصی از قدرت و شوکت رسیدند که لازمه مبارزه و جهاد ابتدایی است، بر آنان واجب است که از حالت سکون خارج شوند و به جنگ اقدام نمایند (خدوری، ۱۳۳۵: ۱۰۲-۱۰۴). با این وصف آن‌چنان‌که اشاره شد، گونه‌ای دیگر از جهاد در گفتمان اسلامی وجود دارد که از آن می‌توان تحت عنوان جهاد تدافعی اشاره کرد.

– جهاد تدافعی در کلام شیعی: جنگ یا جهاد تدافعی، مقابله ملت‌ها یا کشورهای اسلامی در برابر تهاجم و تجاوزات احتمالی بیگانگان به تمامیت ارضی مسلمانان است. این قاعده که به «دفاع مشروع» موسوم است، امروزه در حقوق بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته شده و مطابق آن هر کشور مجاز است در برابر متجاوزان به دفاع از خود پردازد. قرآن کریم نیز در آیات متعدد جنگ تدافعی را تشریح و هدف از آن را آشکارا تبیین کرده است. که از آن جمله می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

«... وَ لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصاری، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد. و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است؛ حج : ۴۰).

«قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يُخْزِيهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ» (با آن‌ها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند؛ و آنان را رسوا می‌سازد؛ و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد و بر قلب آن‌ها مرهم می‌نهد؛ توبه: ۱۴).

«...وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ... لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید ولی تعدی نکنید که خداوند ظالمان و ستمکاران را دوست ندارد؛ بقره: ۱۹۰).

«أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُّوكُمْ أَوْلَٰ مَرَّةٍ أَمْ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی‌کنید؟ درحالی‌که آن‌ها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند؛ آیا از آن‌ها می‌ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید؛ توبه: ۱۳). «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ



اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (ماه حرام، در برابر ماه حرام). (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرام‌ها، (قابل) قصاص است و هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید و از خدا پرهیزید (و زیاده روی ننمایید)؛ و بدانید خدا با پرهیزگاران است؛ بقره: ۱۹۴).

فقه‌های شیعه نیز بر جهاد دفاعی تأکید فرموده‌اند. صاحب جواهر می‌فرماید «وَلَوْ بَدَأَ الْعَدُوَّ بِالْقِتَالِ وَجَبَ وَكَانَ جِهَادًا وَاجِبًا مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَى إِذْنِ الْأَمَامِ (ع)» (نجفی، ب ت: ۲۱) اگر دشمن شروع به جنگ کرد جهاد واجب است و نیازی به اذن امام نیست. در همین حال، موضوع دیگری که می‌بایست در ارتباط با جنگ و جهاد در اندیشه اسلامی و شیعی مورد بررسی قرار گیرد، گستره و قلمرو دفاع مشروع است. به بیان بهتر دفاع درجایی صدق می‌کند که تجاوز باشد و بدون تجاوز، مشروعیت دفاع محل ایراد و اشکال است. در اینجا لازم به ذکر است از دیدگاه فقه اسلامی چندین شرط برای تحقق تجاوز وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح ذیل دانست: (شبر، ۱۳۸۸: ۸۸)

۱- تجاوز یا حمله غیر مشروع باشد و به تعبیر آیه ۱۹۰ سوره بقره، مصداق «اعتداء باشد»؛
 ۲- خطر تجاوز یا حمله وجود داشته باشد؛ لازم به ذکر است که وجود خطر یکی از شرایط و مقدمات جواز دفاع در اسلام است چراکه هدف و مقصود از دفاع دفع خطر می‌باشد. لذا هر جا خطر وجود داشته باشد، دفاع مشروع خواهد بود. فقهاء درباره خطر تجاوز در حوزه جهاد دفاعی از ماده «خوف» استفاده کرده‌اند چنان‌که «ابوالصلاح حلبی» در کتاب «الکافی فی الفقه» معتقد است: اگر خوف تجاوز به بعضی سرزمین‌های اسلامی از سوی بعضی کافران و جنگ‌طلبان برود بر اهالی تمام اقلیم‌ها است که با دشمنان متجاوز نبرد کنند و از سرزمین اسلامی و ایمانی دفاع کنند. (حلبی، ب ت: ۲۴۶) همچنین «سید ابن زهره» در کتاب «الغنیه»^۱، علامه حلی در کتاب «قواعد الاحکام»^۲، شهید اول در «الدروس»^۳ و امام خمینی (ع) نیز در «تحریر الوسیله»^۴... از ماده خوف به معنی ترس بر خطر تجاوز تأکید و تصریح کرده‌اند که در چنین صورتی دفاع مجاز است. بدین ترتیب

۱- ابن زهره، حمزه. غنیة النزوع الی علم الاصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ، ج ۱، ص ۱۹۹.
 ۲- علامه حلی، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ، ج ۱، ص ۴۷۸.
 ۳- محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعیة فی الفقه الامامیه، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۳۰.
 ۴- روح‌الله الموسوی الخمینی، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۲۶.



در حوزه دفاع شخصی برخی فقها علم به قصد حمله مهاجم و برخی دیگر افزون بر علم، ظن به خطر و حمله را برای جهاد کافی می‌دانند. بر این اساس امام خمینی (ره) در این باره تصریح می‌کند: «بعد از آن که و لو با قراین که موجب اطمینان باشد محقق شد که مهاجم قصد هجوم به او را دارد، بدون اشکال دفاع برایش جایز است»^۱

۳- امکان تجاوز یا حمله وجود نداشته باشد؛ یعنی اگر کسی قصد حمله دارد اما امکان عملی کردن قصد خود را ندارد که این یا به خاطر مانع و حائلی که بین متجاوز و انسان قرار دارد یا به خاطر ضعف متجاوز، و... در این صورت انسان نمی‌تواند به عنوان دفاع به آن شخص یا به آن کشور صدمه‌ای وارد سازد یا ضرر و زبانی برساند چنان‌که شیخ طوسی در این باره می‌فرماید: «اگر متجاوز از پشت مانع یا رود یا دیوار یا در، قصد حمله و تجاوز به کسی را داشته باشد به گونه‌ای که عقلاً امکان حمله و تجاوز نداشته باشد وی حق ندارد دفاع کند» (طوسی، ۱۴۲۲: ۴۲۲). امام خمینی (ره) نیز در این باره می‌فرماید: «اگر دزد و مانند آن، بر او [مدافع] هجوم آورد، اما بداند که او [متجاوز] به خاطر مانعی مانند نهر یا دیوار نمی‌تواند آنچه را که قصد کرده، اجرا کند، باید از او خودداری کرد و ضرر رساندن به او به صورت جراحت یا جان [کشتن] یا غیر این‌ها جایز نیست و اگر به او ضرر رساند ضامن است و همچنین است اگر نتوانستن مهاجم به خاطر ضعفش باشد.» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۳۳۵)

۴- حال یا قریب‌الوقوع بودن تجاوز؛ حمله و تجاوز زمانی مجوز دفاع نظامی مسلحانه و دفاع شخصی می‌تواند باشد که مربوط به زمان حال یا قریب‌الوقوع باشد. صاحب جواهر و فقهای دیگر می‌فرمایند: «لایجوز الضرب الا لدفع و لا دفع مع الادبار» (مجوزی برای ضربه زدن مگر برای دفع وجود ندارد و اگر کسی قصد تضارب نداشته باشد و پشت کند، دفعی نیز نخواهد بود.) (نجفی، ب ت: ۶۵۶). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که از منظر فقه اسلامی و شیعی تجاوز نسبت به آینده غیر قریب‌الوقوع نیز مجوز جنگ و جهاد دفاعی یا دفاع شخصی نخواهد شد زیرا که از سویی مصداق قصاص قبل از جنایت است و از سوی دیگر نیز ممکن است حمله‌کننده از اراده‌ی خویش پشیمان و منصرف شود. همچنین باید توجه داشت که تجاوز و حمله‌ای که احتمال وقوع آن در آینده دور است به گونه‌ای نیست که دولت اسلامی را ناچار از استفاده زور و سلاح بنماید چراکه



۱- «بعد تحقق قصد المهاجم اليه و لو بالقرائن الموجبة للوثوق يجوز له الدفع بلا اشكال» روح الله الموسوی

الخمینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۳۳.

حل و فصل آن از طرق مسالمت‌آمیز و صلح ممکن است. (شبر، ۱۳۸۸). در همین حال از دیگر نکاتی که در فقه اسلامی و در خصوص جهاد تدافعی مطرح می‌شود، ضرورت ایجاد توان بازدارندگی در برابر دشمنان است که این آموزه از سوی نظریه‌پردازان مکتب رئالیسم در غرب نیز تاکنون به انحاء مختلف ارائه و مورد بررسی قرار گرفته است. از منظر تاریخی نیز پس از استقرار حاکمیت اسلام در مدینه خداوند متعال دفاع را برای مسلمانان واجب کرد. خداوند در قرآن و درباره لزوم قدرت و توانایی تدافعی مسلمانان می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (هر چه در توان دارید، از نیرو و اسب‌های آماده برای مقابله با دشمنان آماده‌سازید تا این‌که بترسانید با آن دشمن خدا و دشمن خود را...؛ انفال: ۶۰) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بر این باور است که این آیه بر این نکته تصریح می‌کند که مؤمنین باید در قبال کفار، به‌قدر توانایی از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند. وی ادامه می‌دهد که «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» در مقام بیان تعلیل برای جمله «وَأَعِدُّوا لَهُمْ» است، و معنایش این است که این قوت و امکانات دفاعی را تدارک ببینید تا به‌وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را ترسانیده و از آنان زهرچشم گرفته باشید. (طباطبایی، ب ت: ۱۵۱-۱۵۲) بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هدف اصلی داشتن آمادگی و قدرت در اندیشه اسلامی، ایجاد ترس بازدارنده از هجوم دشمنان است و مسلمانان باید نیروی لازم و قدرت و امکانات بهتر داشته باشند تا دشمن از پیروزی در جنگ با مسلمانان مأیوس و ناامید شود و این آمادگی و قدرت متضمن پیروزی مسلمانان گردد. (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۸۵)

یکی دیگر از مباحث مهمی که در ارتباط با موضوع جهاد تدافعی می‌توان شناسایی کرد بحث جایگاه و شرط «ضرورت» در دفاع است. از گفتار علما و فقها و سیره عملی پیامبر اکرم (ﷺ) و امام علی (علیه السلام) می‌توان این شرط را استخراج کرد؛ ضرورت دفاع بدین معنی است که مدافع هیچ راه دیگری برای دفع تجاوز یا خطر ندارد و تنها راه برای آن متوسل شدن به‌زور و قدرت باشد و دفاع منوط بر آن باشد. در سیره عملی پیامبر اکرم (ﷺ) و امام علی (علیه السلام) به‌وضوح دیده می‌شود که ایشان همواره از خون‌ریزی حذر داشته و سعی می‌کردند از راه مسالمت‌آمیز و با عهد و پیمان مسائل را حل کنند و تنها هنگامی به خشونت متوسل می‌شدند که دشمن از طریق پیمان‌شکنی و یا زور اعلام جنگ می‌نمود. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که دفاع هنگامی ضروری است که برای مدافع هیچ راهی جز توسل به‌زور باقی نمانده باشد.



از دیگر مواردی که در بحث دفاع باید به آن اشاره کرد، متناسب بودن دفاع با تجاوز است که بدان معناست که می‌بایست بین تجاوز و عملیات دفاعی، توازن کمی و کیفی وجود داشته باشد. این قاعده در فقه اسلامی به‌عنوان قاعده «الأسهل فالأسهل» موسوم است. این قاعده افزون بر آنکه در آیاتی نظیر آیه ۱۹۰ سوره بقره^۱ و آیه ۱۲۶ سوره نحل^۲ مورد تصریح قرار گرفته است، بلکه به لحاظ عقلی و عرفی نیز قاعده‌ای صحیح به شمار می‌رود چراکه غرض از دفاع، دفع تجاوز و جلوگیری از آن است و بر این اساس باید تناسبی معقول بین تجاوز و اقدامات دفاعی رعایت شود. لازم به ذکر است امام خمینی به‌عنوان یکی از فقهای معاصر شیعی نیز در این‌باره معتقد است: «.. در تمام آنچه ذکر شد، بنا بر احتیاط واجب است که از مرحله‌ی پایین‌تر، اقدام به دفاع کند و به مرتبه‌ی شدیدتر از آن برسد، الأسهل فالأسهل. پس اگر با آگاه کردن و یک نوع اخطاری، دفع شود باید همان را انجام دهد، و اگر با داد زدن و تهدید ترس‌آور دفع شود، باید به آن اکتفا کند و اگر دفع نشد به دست دفاع کند، و اگر از دست هم نشد بر عصا اکتفا کند، اگر باز هم نشد با شمشیر دفع کند، اگر فقط با جراحت وارد کردن دفع شود به همان اکتفا کند و اگر دفع تجاوز ممکن نیست مگر با کشتن به هر وسیله‌ی کشنده کشتن او جایز است.» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۳۳۱).

بر این اساس از این نظریه امام خمینی (ره) و عبارات فقهای دیگر نتایج زیر به دست می‌آید:

- ۱- در استفاده از وسیله و ابزار دفاعی اولویت با وسایل بدون خطر و بعد کم‌خطر و از آسان به شدید سفارش شده است.
- ۲- میزان و آسیب صدمه نیز مورد توجه قرار گرفته به گونه‌ای که اگر خطر بدون ایراد ضرب و جرح دور شود نباید مرتکب جراحت شود و اگر خطر با ایراد جراحت دفع شود نباید قتل متجاوز شود.
- ۳- هدف از دفاع، دفع کردن متجاوز است و برای دفع این خطر، باید به میزان ضروری و نیاز، از قدرت و زور و وسیله دفاعی استفاده شود.
- ۴- رعایت ترتیب هنگامی لازم است که مدافع وقت کافی داشته باشد و ترس غلبه مهاجم نداشته باشد (شبر، ۱۳۸۸: ۸۸).



۱- «...فَمَنْ اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاغْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ اعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِیْنَ» هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید و از خدا بپرهیزید و بدانید خدا با پرهیزگاران است

۲- «وَ اِنْ عَاقَبْتُمْ فَاَعْتَبُوا بِمِثْلِ مَا عُوْفِیْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَیْرٌ لِّلصَّابِرِیْنَ» اگر مجازات می‌کنید، پس باید همانند آنچه بر شما رفته مجازات کنید و اگر شکیبایی کنید، این کار برای صابران بهتر است.

ملاحظه می‌شود که پایبندی به اصول انسانی و رعایت کرامت انسانی جایگاهی وثیق در اندیشه اسلامی و شیعی دارد به‌ویژه فقهای شیعه بر حرمت خون انسان‌ها تأکید فرموده‌اند؛ در این راستا امام خامنه‌ای در پاسخ به این سؤال که اگر فرض کنیم حفظ اسلام ناب محمدی (ﷺ) متوقف بر ریختن خون نفس محترمی باشد، جایز است؟ می‌فرماید: «ریختن به‌ناحق خون نفس محترمه شرعاً حرام است و با احکام اسلام ناب محمدی (ﷺ) تعارض دارد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹: ۲۲۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف- نتیجه‌گیری:

آن‌چنان‌که در این نوشتار اشاره شد، اسلام ازجمله ادیان الهی است که حقوق طرفین درگیر در منازعات را معلوم و مشخص ساخته است و اجازه تجاوز و تعدی را نمی‌دهد. مطابق با آموزه‌های اسلام شیعی هدف اصلی جنگ اقامه حق و عدالت و توحید و برچیدن فساد و ستم است. افزون بر این آموزه‌های اسلام شیعی بر این اصل صراحت دارد که تا طرف مقابل دست به اسلحه نبرده نباید پیش‌دستی کرد و درعین حال بر این مبنا به غیرنظامیان مثل زنان، کودکان و پیران و افراد زمین‌گیر نباید حمله شود چراکه آن‌ها مصداق افرادی که به مقابله برخاسته‌اند نمی‌باشند. و بنابراین مصونیت دارند. ابعاد جنگ نیز در آموزه‌های مذکور با عبارت «از حد تجاوز نکنید» تعیین و بر این نکته تأکید شده است که در این راه نباید تعدی و تجاوز به حدود انسان و انسانیت صورت گیرد. با این وصف مشخص می‌شود که در اندیشه اسلام شیعی، فقط آن دسته از جنگ‌هایی مشروعیت دارند که منطبق با مفهوم «جهاد» و از هر نظر تابع مقررات و شرایط خاص باشند. جهاد اقدامی ضروری علیه کسانی است که به هر نحو ممکن می‌کوشند مانع از دستیابی انسان‌ها به جایگاه واقعی خود در خلقت شوند و هدف غایی آن نیز تعالی بخشیدن به حیات آدمی است. سرانجام، می‌بایست پذیرفت آن‌چنان‌که خداوند در قرآن مجید نیز تأکید می‌کند، و بر مبنای اصول و باورهای شیعیان که به آن اشاره شد، جهاد عامل حیات اجتماع انسانی در برابر عوامل ایجاد مرگ فطرت انسان‌ها، محسوب می‌شود و بر این اساس اعتلای انسانیت و نیل به جامعه توحیدی و تعمیم عدالت اسلامی که همگی از مقدمات تحقق کرامت انسان‌ها محسوب می‌شوند، مستلزم جهاد خواهند بود. اسلام شیعی برخلاف بسیاری از فرقه‌های متأثر از آموزه‌های وهابیت نظیر نسل اول و دوم «القاعده» ازجمله گروه «داعش» و «النصره» در عراق و سوریه که افزون بر جنگ‌افروزی‌های غیرموجه، کرامت انسانی را هم مخدوش و منکوب می‌کنند، مسیری متفاوت دارد. به بیان بهتر مکتب تشیع برخلاف فرقه‌های تندرو منسوب به اسلام که با اقدامات خود تحت عنوان جهاد راه را برای محکوم ساختن مسلمانان به خشونت و حمایت از تروریسم هموار می‌کنند، به‌واسطه آموزه‌های پیشوایان شیعه و پویایی اجتهاد در این مکتب و فهم مؤمنانه و اصیل از آموزه‌های اسلام الگوی متفاوت و درعین حال انسانی از جنگ و جهاد ارائه می‌دهد. درعین حال به‌واسطه ویژگی‌هایی نظیر



«باطنی‌گری»، «حس‌گرایی»، «عاطفه‌گرایی» و اعتقاد به عصمت و حقیقت مطلق در مکتب تشیع (عنایت ۱۳۷۲: ۴۱ و ۴۸). درنهایت پیام اصلی خود را به‌گونه‌ای اعلام می‌کند که جهاد به معنای «تعهد مؤمنانه» و آگاهانه از دل و جان برای دستیابی به اهداف والای اجتماعی و سیاسی و حفظ کرامت انسانی است.

ب- پیشنهادها:

- به‌منظور معرفی چهره واقعی اسلام شیعی و پیشگیری از قضاوت نادرست درباره این مکتب و همچنین جلوگیری از اسلام‌هراسی در جهان و شیعه‌هراسی در بین مسلمانان، پیشنهاد می‌شود
- ۱- آموزه‌های اسلام شیعی در باب جنگ و جهاد با استفاده از فناوری‌های نوین رسانه‌ای و به‌ویژه از طریق دیپلماسی عمومی تبیین، تشریح و ترویج شوند
 - ۲- تفاوت نگرش‌های فلسفی شیعیان با نگرش‌های اخباری تا حد امکان شفاف شود.
 - ۳- کرامت انسان در اسلام با استناد به آیات قرآن در میان توده مردم جهان تبیین و تشریح گردد.
 - ۴- چهره رئوف پیامبر مهربانی‌ها حضرت ختمی مرتبت (سلام‌الله‌علیه) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در سطح جهان معرفی و تبلیغ و ترویج شود.
 - ۵- اخلاق‌مداری اسلام در جنگ و جهاد تبیین و تشریح شود



فهرست منابع:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱)، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹)، *رساله الأجوبیت الأستفتائات*، تهران: پیام عدالت
- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ارجینی، حسین (۱۳۸۷)، *صلح و منازعه در روابط خارجی دولت اسلامی*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- اشراق، محمد کریم (۱۳۶۰)، *تاریخ و مقررات جنگ در اسلام*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- بوتول، گاستون (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خدوری، مجید (۱۳۳۵) *جنگ و صلح در قانون اسلامی*، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، اقبال
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۸۶)، *مبانی، مستندات و الزامات قانونی؛*
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۷)، *"کلام شیعی ماهیت، تحولات و چالش‌ها"*، *مجله اخبار شیعیان*، (دی‌ماه) شماره ۳۸.
- شبر، غلام (۱۳۸۸) *"بررسی تطبیقی دفاع مشروع از دیدگاه فقه و حقوق بین‌الملل"*، رساله کارشناسی ارشد در مدرسه تخصصی فقه و اصول.
- عنایت، حمید (۱۳۷۲) *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، تهران: کتابخانه گنج دانش..
- طباطبایی، محمدحسین (ب ت)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، ج ۹.
- قریشی، سید علی اکبر (۱۳۶۱)، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱ و ۲
- مجلسی، محمدباقر (ب ت)، *بحار الانوار*، ج ۶۹
- محمد، م (۱۳۶۰)، *فرهنگ عربی-فارسی*، ترجمه منجد الطلاب، انتشارات اسلامی
- نجفی، محمدحسن (ب ت)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۱۴



- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹) مغازی؛ تاریخ جنگ‌های پیامبر؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- هیلزگری، گریس (۱۳۸۱)، جنگ پست‌مدرن سیاست نوین درگیری، ترجمه احمدرضا تقا، تهران: سپاه پاسداران،
- طوسی محمد بن حسن (۱۴۲۲)، المبسوط، چاپ اول، ج ۵، قم: جامعه مدرسین.
- ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷)، غنیة النزوع الی علم الاصول و الفروع، چاپ اول، ج ۱، قم: مؤسسه امام صادق.
- محمد بن مکی عاملی شهید اول (۱۴۱۲)، الدروس الشرعیة فی الفقه الامامیه، چاپ اول، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، چاپ اول، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
- حلبی، ابوالصلاح (ب ت)، الکافی فی الفقه، اصفهان: منشورات مکتبه الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام)

